

چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۴
 وطن امروز | شماره ۴۲۸۳

[ورزشی]

گزارش

وقتی فلیک از بحران فرصت می‌سازد

تاکتیک بدون خرید

در سرزمینی که بحران مالی حکمروایی می‌کند، راه موفقیت چیزی فراتر از خرید ستاره‌های میلیاردی است.

هانس فلیک، مربی باهوش و دقیق آلمانی، با علم به محدودیت‌های مالی باشگاه بارسلونا،به دنبال قهرمانی است که بتواند در نقش‌های گوناگون بدرخشند؛ بازیکنانی که نه‌تنها توانایی بازی در چند پست را داشته باشند،بلکه بتوانند در هر نقشی بدرخشند و تیم را از بن‌بست بیرون بکشند.

■ **سربازان چندمنظوره در اردوی کاتالان‌ها**

از همان روزهای نخست ورود فلیک به نو کمپ، رویکردی نو در طراحی ترکیب بارسلونا دیده شد. فلسفه فلیک ساده اما کارآمد بود: بازیکنی که تنها یک وظیفه بلد باشد، در این بحران اقتصادی جایی در برنامه‌های او ندارد. بنابراین، سرمربی سابق بایرن مونیخ و تیم ملی فوتبال آلمان، به‌جای اصرار بر جذب بازیکنان پرهزینه، تصمیم گرفت سرمایه‌های فعلی را با مهندسی مجدد تاکتیکی به سلاح‌هایی انعطاف‌پذیر تبدیل کند.

در این میان، چهره‌ای چون اریک گارسیا که روز گاری صرفاً مدافع میانی بود، حالا در کنار پست اصلی‌اش به‌عنوان فاع راست و هافبک تدافعی هم ایفای نقش می‌کند. گاوی، با تجربه در پست‌های مختلف میانی، به یکی از ارکان بازی‌سازی بدل شده و فران تئوس که باهوش در مرکز خط حمله است، فلیک نشان داده حتی از تغییرات غیرمنتظره هم نمی‌ترسد، چرا که از نظر او، «بازیکن مفید» الزاماً کسی نیست که در پست خودش بدرخشد، بلکه کسی است که در هر شرایطی بدرخشد.

■ **داستان قهرمانان نوظهور**

در تور پیش‌فصل اخیر و دیدار مقابل افسی سنول، هانس فلیک برگ دیگری از دفتر تاکتیکی‌اش را رو کرده؛ استفاده از جرارد مارتین در قلب خط دفاع. بازیکنی که پیش‌تر در تیم کورنیا به‌عنوان دفاع چپ تجربه بازی داشت، در لباس بارسلونا در استادیومی مملو از هوادار، به‌خوبی از عهده وظایفش برآمد و نه‌تنها در امور دفاعی محکم ظاهر شد، بلکه در حمله نیز با یک پاس مؤثر، نقش مهمی در گل دوم بازی ایفا کرد.

اما این تنها تغییر عجیب فلیک در آن بازی نبوده؛ جوفره تورنتس که کمتر کسی تصور می‌کرد به دفاع چپ بدل شود، در این نقش به میدان رفت. چنین تصمیماتی نشان می‌دهد فلیک به‌دنبال یافتن راه‌حلهایی جدید از دل داشته‌های موجود است، نه آرزوهای گران‌قیمت.

■ **هنر تربیت قهرمانان**

فلیک باور دارد یک مربی واقعی باید توانایی استخراج حداکثر پتانسیل از شاگردانش را داشته باشد. تمرینات منظم و تخصصی او با بازیکنانی چون اریک گارسیا، نه‌تنها آنها را در پست‌های تازه تثبیت، بلکه اعتمادبهنفس و روحیه رقابت‌پذیری را نیز در آنها نهادینه کرده است. به‌عنوان مثال، فران تئوس در نقش مهاجم مرکزی، فراتر از انتظارات عمل کرده و بویژه در سیستم مبتنی بر گرش سریع توپ، موفق شده با بهره‌گیری از فضای بین مدافعان، نهدیدی دائم برای حریفان باشد. اریک گارسیا نیز در هفت یک مدافع کناری، با درک بالا از فضا و زمان، به بازیوی مطمئن در حملات تبدیل شده است.

■ **بارسا، در جست‌وجوی توازن**

باخروج ستاره‌هایی چون بوسکتس، آلبا و احتمال جدایی بازیکنان دیگر، بارسلونا با چالاهای ساختاری مواجه شده است اما فلیک با تکیه بر نظم آلمانی‌اش، به‌جای وحشت، پروژه‌ای مبتنی بر سازگاری طراحی کرده؛ پروژه‌ای که در نقش‌ها نه‌تغییرناپذیر و منعطفند و بازیکنان باید در لحظه، به‌براساس عنوان پست‌شان، بلکه برحسب نیاز تیم تصمیم‌بگیرند.

در این ساختار سیال، بازیکنی مثل جرارد مارتین به نمونه‌ای از نسل جدید بارسا تبدیل شده؛ نه فقط مدافع، بلکه مهندس بازی از عقب زمین. او در فصل گذشته، در بازی مقابل میلان با ۲ پاس گل کلاسیک، یادآور جوردی آلبی در خشان شد.

■ **فلیک، معمار ایده‌های جدید**

بارسلونا دیگر آن تیم متمول سابق نیست اما هنوز می‌تواند تیمی بزرگ باشد؛ اگر ساختارش را براساس عقلایت، انعطاف و فداکاری بازطراحی کند. فلیک در این مسیر، نه‌تنها رویای بازگشت به قله را دارد، بلکه راهی متفاوت برای تحقق آن ترسیم کرده؛ با ساختن قهرمانانی چندچهره از دل جوانانی که تشنه اثبات خودند. با چنین نگاهی، شاید فلیک دقیقاً همان ابرقهرمان واقعی‌ای باشد که بارسا به دنبالش می‌گشت.

خبر

خرید جنجالی استقلال کره را بهم ریخت

بازیکن خارجی جدید استقلال باشگاه کره‌جنوبی را تهدید کرد.

یاسر آسانی، خرید جنجالی استقلال به «بازیکن آینده» شهرت پیدا کرده. بنا به گزارش سایت Xports News، اقدام این هافبک آلبانیایی باعث بهم خوردن آرامش باشگاه گوانگجو کره‌جنوبی و سرمربی تیمش شده است.

آسانی بازیکنی است که استقلال به عنوان بمب نقل‌وانتقالات معرفی کرد اما نکته عجیب این است که نیز فصول دوم به میدان می‌رود. باشگاه استقلال روزهای گذشته از امضای قرارداد با آسانی خبر داد. خرید مدیران آبی‌ها در حالی است که آنها نیز به بازیکن بازپساز در ابتدای فصل دارند ولی این بازیکن تا ژانویه با تیم کره‌ای قرارداد دارد. سرمربی گوانگجو می‌گوید آسانی او و باشگاه را در جریان رفتنش نگذاشته و امضای قراردادش با باشگاه مطرح ایرانی به‌شدت او و مدیریت را عصبانی کرده است. سایت چینی گزارش می‌دهد هافبک اهل آلبانی برای مدیریت باشگاه گوانگجو خط و نشان کشیده و اعلام کرده اگر اجازه رفتن به استقلال را ندهد از حضور در تمرینات خودداری می‌کند.

فرصت تاریخی برای شکستن طلسم ۵۰سال دوری امید از المپیک

صعود با همکاری



نیم‌قرن ناکامی فوتبال ایران در رسیدن به المپیک حالا به نقطه‌ای رسیده که شکستن طلسم آن، نه‌فقط تیمی بااستعداد، بلکه نقشه‌ای دقیق، اتحاد همه‌جانبه و خروج از منازعات همیشگی

باشگاهی را طلب می‌کند. تیم ملی امید ایران، با ترکیبی از شاخص‌ترین استعدادهای نسل فعلی لیگ برتر، روی کاغذ یکی از منسجم‌ترین تیم‌های ۲ دهه اخیر است اما روی چمن، نتیجه چیزی جز یک واژه نخواهد بود: تعامل.

سکوی المپیک برای فوتبال ایران، پله‌ای است که به دلایل متعدد همیشه دور مانده؛ یا ز جنس بی‌رنامگی بوده یا در سایه اختلاف‌های مزمن میان فدراسیون و باشگاه‌ها گم شده. امروز هم، درست در مقطع تصمیم، این امیدها باز قربانی یکدست نبودن فوتبال ایران شده‌اند.

■ **آسیا سخت‌تر از همیشه**

اگر پیش‌تر حضور بین ۲ تیم برتر آسیا، به‌معنای پاسپورت المپیک بود، حالا تنها ۴ صندلی برای پرواز باقی مانده. فشرده‌گی رقابت‌ها، قیای آماده‌تر، مربیان باتجربه‌تر و کاهش سهمیه قاره کهن، شرایط را به‌شدت پیچیده کرده. این یعنی تیم روانخواه اگر بخواهد راهی لس‌آنجلس شود، باید نه‌تنها خوب، بلکه بی‌نقص بازی کند؛ کوچک‌ترین لغزش، پایان کار است.

اما بی‌نقص شدن، در گرو آمادسازی کامل است. اردوهای

در میان ۴ باشگاه مطرح لیگ

برتری تراکتور، سپاهان، استقلال و پرسپولیس) فقط زردپوشان اصفهانی را می‌توان نام برد که توجه بهتری به تیم‌های پایه‌اش دارد، حال آنکه هر ۴ باشگاه از

منظر مالی دغدغه خاصی ندارند و برای تیم‌های بزرگسال

خویش هم از هیچ نوع پول‌پاشی دریغ نمی‌کنند.

عدم توجه یا کم‌توجهی به مقوله آکادمی باشگاه‌ها و تیم‌های پایه، در حقیقت معضلی اساسی برای فوتبال باشگاهی و حتی ملی ماست. در حالی که خود باشگاه‌ها به‌خصوص باشگاه‌های بزرگ در بلندمدت از این کم‌عنایتی خویش به‌لحاظ مادی و تامین نیروی انسانی متضرر می‌شوند، لیکن مدیران باشگاه‌ها به خاطر اولویت نتایج تیم بزرگسالان در تفکرات و اهداف کوتاه‌مدت‌شان، همچنان بر این غفلت اصرار می‌ورزند، چرا که مدیران این باشگاه‌ها در سودای تحکیم جایگاه مدیریتی خود، حاضر نیستند ویتربین را فدای خزانه کنند! در همین لیگ برتر مشاهده می‌کنیم برخی تیم‌ها به دلیل مشکلات مالی و سطح جایگاه، قادر



عبدالله دارابی

سرمایه‌سوزی استقلال و پرسپولیس درباره استعدادهای خود در آکادمی

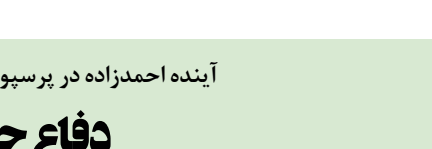
ریشه، قربانی ویتربین

استقلال که چند سال به این مقوله عنایت ویژه کرد و از منافع آن نیز هم خودش و هم فوتبال ملی را با پرورش بازیکنان بزرگی چون مجتبی جباری، طالب‌لو، قربانی، صادقی، تیموریان، حیدری، حسینی و... منتفع ساخت، چند سال است مدیرانش چشمان خود را بر آن فواید گرانبها بسته و کم‌توجهی یا شاید بی‌خیالی در این عرصه را ضمیمه افکارشان کرده‌اند! جالب توجه و در حقیقت غم‌انگیزتر اینکه این باشگاه در یکی دو سال اخیر قدر سرمایه‌های آکادمی خود

را ندانست و به ثمن بخی آنها را از دست داد و پس از درخشش‌شان در سایر تیم‌های لیگ برتر، در فصل نقل و انتقالاتی جاری با مبالغ هنگفت میلیاردی به دنبال استخدام برخی از همان سرمایه‌های سابقش بود و عاقبت شاهد



پتانسیل بارز بهره‌وری فراوان از مقوله آکادمی را دارند ولی افسوس که چنین پتانسیل بزرگ و ارزشمندی اسیر پروژه «صرفاً امروزینی» مدیران فاقد نگاه استراتژیک و جایگاه‌پسند این ۲ باشگاه شده است! مثلاً همین باشگاه



تغییر فضا با ورود کار تال همه چیز اما بعد از حضور اسماعیل کارتال روی نیمکت پرسپولیس دگرگون شد. سرمربی اهل ترکیه، با نگاهی متفاوت، فرصت دوباره‌ای به وی داد. در بازی‌های جام حذفی، احمدزاده توانست با گلزنی و دوندگی، کمی از بار انتقادها بکاهد و در هفته‌های پایانی، بیش از گذشته در ترکیب دیده شد. آمار فصل او البته هنوز پایین‌تر از سطح انتظارات بود؛ ۲ گل، ۲ پاس گل و مجموعاً ۲۷ بازی رسمی اما واقعیت این بود که او در اغلب این دیدارها بازیکن تعویضی یا مهره جایگزین بود.

■ **فولاد خواهانش بود اما...**

با پایان فصل، بار دیگر بحث لیست مازاد مطرح شد و نام فرشاد احمدزاده به‌همراه سعید مهری و سردار دورسون در فهرست بلائکلیف‌ها قرار گرفت. از میان این ۳، احتمال جدایی ۲ نفر تقریباً قطعی شده بود. احمدزاده در آستانه انتقال به فولاد قرار داشت و حتی مذاکرات اولیه هم انجام شده بود اما اتفاقی که شاید فقط از ذهن یک مربی ایرانی برآید، مسیر او را تغییر داد.

■ **طرحی تازه از هاشمیان**

وحید هاشمیان، سرمربی جدید پرسپولیس که همواره به چندپسته بودن بازیکنان اهمیت داده، حالا ایده‌ای متفاوت برای شماره ۱۱ سرخ‌ها در ذهن دارد؛ بازی در پست دفاع چپ. جایی که



نمی‌ماند

موفقیت این نسل، تنها به تاکتیک و دوندن در زمین محدود نیست. آنها باید از پشت شیشه نگاه نکنند؛ باید دیده شوند، حمایت شوند، باکیفیت و هزینه‌های چشمگیر اما این نمایش که «می‌توانستند» تاریخ‌ساز شوند، طولانی‌تر خواهد شد.

■ **سرمایه‌گذاری یا نمایش؟**

فدراسیون فوتبال ادعا می‌کند تیم امید را جدی گرفته. ترکیب یک کادر فنی مقصل با حضور متخصصان متنوع، تمرینات باکیفیت و هزینه‌های چشمگیر اما این نمایش از حمایت، زمانی معنا پیدا می‌کند که خروجی ملموسی داشته باشد.

باشگاه‌هایی که بازیکن نمی‌دهند، فدراسیونی که زور اجرایی ندارد و برنامه‌هایی که هر بار به پله‌های عقب می‌افتد، نشان می‌دهد شاید این پروژه، همچنان در حد همان رؤیای کاغذی باقی بماند.

■ **آخرین فرصت؟**

این نسل آخرین فرصت نیست اما شاید یکی از بهترین فرصت‌ها برای پایان طلسم ۵۰ ساله باشد. طلسمی که از بازی‌های آسیایی تا مسابقات انتخابی المپیک، بارها امید داده و بارها آن را گرفته. این‌بار اما نه توپ، نه دروازه، نه حریف، بلکه خود ما هستیم که تکلیف المپیک را مشخص می‌کنیم. یسا با اتحاد و یک‌صدایی، رؤیا را به واقعیت بدل می‌کنیم یا با همان فرمول تکراری همیشهِ، یک دهه دیگر را هم به حسرت اختصاص می‌دهیم.

لژیونر شدن یا استخدام آنها توسط تیم‌های بزرگ داخلی بودا قطعاً درخشش امثال زارع، محبی، رضایی و صادقی در فصل قبل لیگ برتر و کوتاه ماندن دست مدیران استقلال از جذب‌شان، حسرت آنها ولو در خلوت‌شان و در مقیاسی مهم‌تر خسران باشگاه را در پی داشته و دارد!

اگر فقط ۲ باشگاه استقلال و پرسپولیس به چنین توان و پتانسیلی، اهمیت شایسته و بایسته می‌دادند، در این شرایط «ضبیقه بازیکن»، نه مجبور به پول پاشی‌های هنگفت و خارج از عرف می‌شدند و نه ناچار یا مایل به خرید بازیکنان بی‌کیفیت خارجی. ضمن اینکه از خالی بودن مارکت داخلی در فصل نقل و انتقالات نیز نمی‌نالیدند.

اینجا یک سوال بنیادی مطرح می‌شود: در حالی که چنین پتانسیلی در دسترس این باشگاه‌ها (بویژه ۲ تیم بزرگ پایتخت) است و مدیران آنها حداقل در حال حاضر فواید مختلف آن را عمیقاً درک کرده‌اند، چه موقع قرار است مسیر بی‌توجهی و غفلت از آن مسدود شود و نگاه اصولی ببدان، جایگاه واقعی خود را در برنامه‌های کلان و دائمی این باشگاه‌ها (فارغ از آمد و شد مدیران) پیدا کند و فقط پوششی برای کسب مجوز حرفه‌ای نباشد؟

■ **پایان ماجرا برای مهری یا دورسون؟**

با ماندن احمدزاده، حالا یک جای خالی در لیست باید آزاد شود. اگر چه هنوز تصمیم نهایی باشگاه مشخص نشده اما همه شواهد حکایت از آن دارد که سعید مهری و سردار دورسون باید به‌دنبال تیم جدید باشند. مهری در طول فصل گذشته فرصت چندانی برای درخشش نداشت و دورسون هم نتوانست انتظاراتی را که از یک مهاجم خارجی می‌رفت، برآورده کند.

■ **بازگشت دوباره؛ این بار در لباس مدافع**

اگر سناریوی استفاده از فرشاد احمدزاده در پست دفاع چپ عملیاتی شود، پرسپولیس در این نقطه زمین از ۳ گزینه بهره‌مند خواهد بود؛ میلاد محمدی به‌عنوان انتخاب اول، احمدزاده به‌عنوان گزینه دوم و در برخی مواقع اضطراری، وحید امیری به‌عنوان راحل سوم. این تنوع در جناح چپ می‌تواند برای تیمی که فصل گذشته در پست‌های کناری آسیب‌پذیر نشان داد، یک امتیاز تاکتیکی ارزشمند باشد.

■ **آخرین شانس**

در نهایت باید پذیرفت فصل پیش رو، احتمالاً آخرین فرصت جدی فرشاد احمدزاده برای اثبات خود در سطح اول فوتبال ایران خواهد بود. بازیکنی که زمانی محبوب‌ترین شماره ۱۰ پرسپولیس بود، حالا با پیراهن ۱۱ در پستی غیرمنتظره، می‌خواهد خاطرات تلخ فصل گذشته را به فراموشی بسپارد.

هاشمیان به او اعتماد کرده و حالا نوبت احمدزاده است که پاسخ این اعتماد را در زمین مسابقه بدهد؛ شاید این بار نه با دریل و ساتر، بلکه با تکل و پرس و پوشش دفاعی.